

اصل مطلب

شمخانی در یادداشتی مطرح کرد آزمون سخت دفاع از هویت وامنیت اروپایی



دبیر شورای عالی امنیت ملی در یادداشتی که در اختیار تسنیم قرار گرفته، نوشته است: «اگر خروج آمریکا از برجام را از نقطه نظر پیگیری سیاست

یکجانبه گرایي و اعمال تهدیدات هیبریدی برای پیشبرد آن مورد بررسی قرار دهیم، کاملاً مشخص است که اتخاذ این تصمیم از سوی آمریکا، صرفاً دارای «اثر وضعی» بر ایران بوده و «اثر انتقالی» آن که تغییر دهنده معادلات حاکم بر نظام بین الملل است، اروپا و سایر کشورهای عضو این توافقنامه چندجانبه را که مدعی بازیگری در مناسبات جهانی هستند، هدف گرفته است. «وی در این یادداشت تأکید می‌کند: «اروپا تاکنون علی‌رغم تحقیر شدن از سوی آمریکا و قرار گرفتن در برابر اثرات مخرب یکجانبه‌گرایی واشنگتن که دامنه آن به پیمان‌های بین‌المللی متعددی گسترش یافته، عملاً بازیگری دست‌چندم و منفعل بوده و نتوانسته در جایگاه یک قطب متحد و تاثیرگذار بر مناسبات بین‌المللی ایفای نقش کند.» شمخانی همچنین می‌نویسد: «در صورتی که ترامپ سد حذف اروپا از تاثیرگذاری بر معادلات جهانی را بشکند، دلیلی وجود ندارد که روسای جمهور آینده آمریکا چه جمهوری‌خواه و چه دموکرات از ثمرات آن برای حداکثرسازی منافع آمریکا در قبال اروپای ضعیف‌شده بهره نبرند. با ادامه این روند احتمال به‌قدرت‌رسیدن جریان‌های افراطی جدید برای جبران شرایط تحقیرآمیز کنونی و بازیابی هویت و استقلال از دست‌رفته اروپا بسیار قابل پیش‌بینی است. مسئولیت شکل‌گیری چالش‌های ساختاری و امنیتی آتی در اروپا مستقیماً برعهده رهبران فعلی آن خواهد بود.»

اینستکس برای اجرای ۱۱ تعهد اروپا در برجام کافی نیست

محمد جواد ظریف، وزیر

امور خارجه کشورمان در حاشیه جلسه هیات دولت: در جمع خبرنگاران گفت: «برای عدم رعایت ۳/۶۷

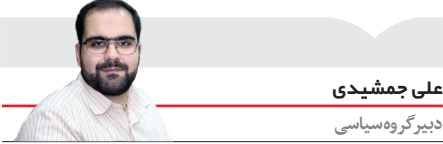
در غنی‌سازی اورانیوم

تصمیم گرفته ایم، اما

اینکه غنی‌سازی‌مان در چه سطحی باشد، براساس نیاز و ضرورت‌های کشور است.» به گزارش مهر، وی درخصوص اجرای اینستکس نیز گفت: «طرف اروپایی اعلام کرده تراکنش‌های اینستکس در حال اجراست، ولی باید از بخش خصوصی سوال کرد که در چه سطحی مبادلات انجام می‌شود.» وی با بیان اینکه در نشست برجام سه کشور متعهد شدند ۱۱ تعهد را اجرایی کنند، گفت: «فروش نفت، بازگشت پول نفت، سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل و کشتیرانی از جمله این تعهدات بود. اروپایی‌ها متعهد هستند این ۱۱ مورد را اجرایی کنند و در هیچ‌یک از این تعهدات، اینستکس یا سازوکار مالی وجود ندارد.» وزیر امور خارجه کشورمان، اینستکس را مقدمه اجرای ۱۱ تعهد خواند و گفت: «این ۱۱ تعهد در چارچوب ماده ۳ ضمیمه ۲ برجام نوشته شده، اما اقدامات فعلی اروپایی‌ها در این زمینه کافی نیست. تا زمانی که اروپا به برجام متعهد باشد، ما هم متعهد خواهیم بود و در هر سطحی که اروپا برجام را اجرا کند، ما نیز اجرا می‌کنیم.»

مسکن مهر فرصتی استثنائی برای خانه‌دار شدن اقشار ضعیف بود

پیروز حناچی، شهردار تهران در نخستین اجلاس مجمع مشورتی روسای کمیسیون‌های شهرسازی و معماری شوراهای اسلامی شهرها و مراکز استان‌ها که عصر دیروز برگزار شد، اظهار کرد: «هم‌اکنون موضوع مسکن به یک موضوع اجتماعی و امنیتی تبدیل شده است و در واقع اجرای طرح مسکن مهر طرح قابل‌قبولی بود که بخشی از اقشار ضعیف‌را صاحب مسکن کرد و ما می‌توانستیم با این طرح از ظرفیت شهرداری‌ها استفاده کنیم.» وی همچنین افزود: «در حال حاضر سه پدیده در دنیا مورد توجه قرار دارد؛ یک: تمرکززدایی، دو: خروج صنعت از شهرها و سوم توسعه بخش خصوصی که در مورد سوم مدیریت شهری تهران نیز گام‌هایی را برداشته است.»



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

حسن روحانی روز گذشته و در حاشیه جلسه هیات دولت صحبت‌هایی کرد که قبلاً مانند آنها را بیان نکرده بودو نشان می‌داد تصمیم گرفته درخصوص توافق هسته‌ای و حداقل برای ۶۰ روز آینده مسیر خود را از اصلاح‌طلبان رادیکال جدا و براساس مشی جدید تصمیم‌گیری کند. حسن روحانی دیروز آب پاکی را روی دست اروپایی‌ها و هم‌نظران‌شان در داخل کشور که می‌گفتند ایران نباید گام دوم خود را عملیاتی کند، ریخت و گفت: «ایران هرگز قصد لجبازی با دیگران و برهم زدن توافق را ندارد، کم‌اینکه طرف‌های مقابل به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانند به اقدامات ایران ابرادی بگیرند، چراکه ایران در پاسخ به درخواست‌های مکرر سران اروپا چندین‌بار مهلت‌های مقرر را تمدید کرده است. مسئولان اروپایی حتی به آنچه به ایران در این مدت برای حل مشکلات قول داده و توصیه کرده‌اند، عمل نکرده‌اند. ایران در این مدت به‌هیچ‌عنوان عجله نکرده است و مردم بدانند که لحظه‌ای در برجام احساسی عمل نکرده و کاملاً براساس منطق و عقل اقدام کرده‌ایم.»

روحانی سازوکار مالی اروپایی‌ها (اینستکس) را تاکنون تنها اقدامی نمایشی دانست و از همین رو تأکید کرد: «امروز اینستکس تنها سازوکاری بدون پول است و اینستکس توخالی به هیچ دردی نمی‌خورد، اما اگر اینستکس فعال شده و پول فروش نفت ایران به‌واسطه آن حاصل شود با وجود ابرداران آن، می‌توان تا حدی آن اقدام را قبول کرد.» رئیس‌جمهور ادامه داد: «۱۶ تیرماه سطح غنی‌سازی ایران دیگر ۳/۶۷ نخواهد بود و این تعهد را کنار گذاشته و به هر مقداری که ضرورت و نیاز ما باشد، ارتقا خواهیم داد. ۱۶ تیر اگر طرف‌های مقابل به تمامی تعهدات خود طبق زمانبندی عمل نکنند، ر‌آ کشور اراک به شرایط سابق یعنی شرایطی که آنها ادعا می‌کردند خطرناک بوده و می‌تواند پلوتونیوم تولید کند، بازخواهد گشت؛ مگر اینکه درمورد ر‌آکتور اراک آنها به تمامی تعهدات خود عمل کنند.»

این اظهارات از آنجاکه هم با ادبیات محکمی بیان شد و هم از جانب رئیس‌جمهور بود، قطعاً از نظر تاثیر متفاوت خواهد بود، چنانکه واکنش رسانه‌های داخلی و خارجی نیز موید همین مساله بود. در تحلیل این موضوع باید گفت اعلام «قاطعیت ایران برای شکستن محدودیت غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد» که حالا و با توجه به تحقق وعده عبور از مرز ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۳/۶۷ در ۶۰ روز اول کاملاً جدی گرفته شده است،

نشان می‌دهد ایران دوباره بنا دارد وابستگی خود به واردات اورانیوم با غنای بالا را برطرف کند؛ احتیاجاتی که برآورده می‌شوند، از پزشکی تا حمل‌ونقل دریایی. ایران امروز به علت نیازمندی مبرم در عرصه پزشکی و داروسازی به اورانیوم با غنای بیش از پنج درصد و صنایع داروسازی برای تولید رادیوداروهای منحصربه‌فرد باید این ماده اولیه را در اختیار داشته باشد. از طرف دیگر پروژه‌های تحقیقاتی در عرصه‌های مختلف نیز محتاج این ماده است و به‌درستی ایران تصمیم گرفته این مسیر را طی کند.

علاوه‌بر این، با تصمیم اعلام‌شده از سوی حسن

روحانی احتمالاً اروپا و آمریکا صابون دسترسی ایران

به فناوری‌های نوین دیگری را هم به تن خواهند مالید؛

فناوری‌هایی چون ساخت پیشران‌های هسته‌ای و سوخت مورد استفاده در آنها که نیازمند غنی‌سازی

اورانیوم در سطوحی بالاتر از ۲۰ درصد است و از آنجاکه

پیش‌تر طرح اولیه این تولیدات نوشته شده و یک‌بار

هم برای اخذ مصوبه قانونی به مجلس رفته است،

بعید نیست که در مدت کوتاهی دوباره در دستورکار

ایران قرار بگیرد. ایران این پیشران‌ها را برای استفاده

در کشتی‌های غول‌پیکر و زیردریایی‌های خود مورد

استفاده قرار خواهد داد یا به همین منظور آنها را به

فروش خواهد رساند. تحقق این گام یعنی مرحله دوم

از کاهش تعهدات ایران چند مسیر را می‌تواند پیش

رو بگیرد که انتخاب هرکدام پیام‌های متفاوتی برای

غربی‌ها دارد؛ اول اینکه ایران می‌تواند از سانترفیوژهای

موجود و فعال خود و تنها با تغییر ترکیب و چیدمان

برای غنی‌سازی با سطوح بیشتر از ۳/۶۷ استفاده کند

که این به آن معناست که سایت نطنز برای این هدف

مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

راه دوم که البته بعید است فعلاً مورد استفاده قرار

گیرد، این است که مانند ایام پیش از توافق هسته‌ای،

سایت فوردو که در برجام بنا شد صرفاً بهره‌برداری

تحقیقاتی داشته باشد، تغییر کاربری پیدا کرده و برای

تولید اورانیوم ۲۰ درصد استفاده شود. این اقدام البته

کاهش همزمان بند دیگری از تعهدات ایران هم هست

و پیام بسیار قابل‌توجهی به غربی‌ها مخابره می‌کند؛

چراکه آنها می‌دانند سایت فوردو به‌هیچ‌عنوان برای

آنها قابل دسترسی نیست و استفاده از آن به‌معنای

سیاست

پیام صحبت‌های مهم رئیس‌جمهور درمورد گام دوم ایران، اینستکس و...

چهارشنبه متفاوت روحانی



«مرزبندی روحانی با کاسبان ترس

بگویند تنها‌راه برای جلوگیری از جنگ، واردشدن به میز مذاکره با آمریکاست؛ پیشنهادهای که بدون نگاه به مسیر منتهی به برجام و عاقبت آن، صرفاً با هدف تولید ترس از جنگ مطرح شده‌و حتی اقداماتی چون سرنگونی پهباد جاسوسی آمریکا نیز حاملان آن را از این جمع‌بندی رویگردان نکرده‌است. در ایسن میان البته نباید از آورده‌هایی که این جریان، با ترس‌فروشی به انتظار آن نشسته‌اند غافل شد؛ آورده‌هایی که در هر دوره به‌بانه‌ای ر‌وزی ترس از رقیب و دیوارکشی و...، ر‌وزی دیگر ترس از فردای بدون برجام و... برایشان نان انتخاباتی داشته‌و دامن زدن به چنین فضاهایی آنها را بر خر مراد سوار کرده. همین موضوع شاید باعث شده آنها در نوشته‌شان از نگرانی‌هایشان بابت ضرر به‌ای بگویند که حتی مقابله نظامی محدود با آمریکا به‌جریان متبوع‌شان وارد می‌کند و آنها را به حاشیه می‌برد. عوامل این‌سرن جریان در مواجهه با سفر نخست‌وزیر ژاپن به تهران هم همه تلاش‌شان را کردند تا با فضا سازی درباره پروژه میناجیگری، هرطور که هست معامله را جوش دهند و با تولید فشار روانی و انعکاس این سیگنال به افکارعمومی که توپ در زمین ایران است و حالا که رئیس‌جمهور آمریکا خواهان مذاکره بدون پیش‌شرط شده، وقت کوتاه آئمن رسیده‌است، مقامات کشور و افکارعمومی را به این جمع‌بندی برسانند که باید از اصرار های گذشته دست کشید و پای میز مذاکره نشست؛ پسر‌و‌زای که البته با مواضع رهبر انقلاب مبنی بر تکرار نشدن تجربه تلخ مذاکره با آمریکا شکست خورد و دست آخر میناجی چشم‌بادامی با ماموریتی ناتمام، دست خالی به خانه برگشت.

رویه‌مود اشاره البته محدود به برجام و مذاکره با آمریکا و غنی‌سازی نیست و اصلاح‌طلبان درباره اینستکس هم مواضع جالبی دارند. روزنامه «آرمان» در گزارشی اینستکس را فرصتی برای آزمون دکمیدیه عنوان کرده و می‌نویسد اگر ایران اینستکس را نپذیرد، بهانه خلیی خوبی به جامعه بین‌المللی می‌دهد که ایران هم از برجام خارج شده‌است. روزنامه «اعتقاد» هم باوقاضه بعد از اعلام آغاز به کار سازوکار مالی اروپا در یادداشتی به‌قلم حسن بهشتی‌پور از فرصت‌های اینستکس نوشت و تأکید کرد نباید نگاه صفر و صدی به این ابتکار ۴۰۱ برای حفظ رابطه مالی و بانکی با ایران داشت. آن‌طور که این تحلیلگر سیاسی اصلاح‌طلب متوجه شده «اینستکس درواقع آب با ریکه‌ای است برای آنکه جریان اقتصاد ایران به سمت اروپا قطع نباشد و فعلاً محدود به دارو و غذاست اما اصل این ماجرا نوعی مقاومت در برابر هژمونی مالی آمریکا است، بنابراین نباید آن را رد کرد و برای آنکه این آب‌باریکه به یک رودخانه تبدیل شود، باید تعامل سازنده را ادامه داد.» «اعتقاد» همچنین در یادداشتی به‌قلم فریدون مجلس مدعی شد اگرچه اینستکس محدود است اما اروپایی‌ها باطناً دنبال حفظ برجام هستند، از این رو با عنایت به آنکه بی‌توجهی به فرصت‌ها آنها را به تهدید بدل می‌کند، «باید اینستکس را با همه ضعف‌ها و محدودیت‌هایش پذیرفت و به سهم خود با سازگاری و تعامل دیپلماتیک در جهت تقویت آن گام برداشت.»

«شرق» هم در یادداشتی مدعی شد «برخی محافل سیاسی خاص و صدواسیم‌ا تلاش می‌کنند با بی‌ارزش نشان دادن اینستکس بر ضرورت خروج ایران از برجام تأکید کنند.» «شرق» معتدل را یدک می‌کشند نیز از لزوم پایبندی به آن می‌گویند. ح‌سنت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تأکید بر اینکه باید به سازوکار مالی ایران و اروپا فرصت داد، «گذر از دام افراطیون» در نتیجه فعال‌شدن اینستکس را اثر سیاسی مهمی می‌داند که از «کشایش‌های اقتصادی» هم مهم‌تر است. به بیان دقیق‌تر، معنای ساده‌توئیت جناب نماینده آن می‌شود که کشایش‌های اقتصادی اگر هم نشد، نشد؛ فعلاً از رقبای بگذریم تا بعد ببینیم چه می‌شود! مجموعه نسبتاً ناهمگون یادشده عمداً بر یک گزاره متفق‌القولند: گزاره‌ای که بی‌توجه به اعتراضات گاه و بی‌گاه مقامات آمریکایی مبنی بر موضوعیت نداشتن گزینه نظامی، می‌گوید جنگ حتمی است و برای اطمینان از آن باید کاری کرد. گزاره‌ای که بدون توجه به واقعیت‌های میدانی ازجمله توانمندی‌های دفاعی ایران که در ماجرای پهباد گلوبال‌هاوک نمود و بروز داشت، سعی دارد انفعال آمریکایی‌ها را هرطور که هست سانسور کرده و از این واقعیت که اگر اراده‌ای بر جنگ وجود داشت باید در ماجرای پهباد اجرایی می‌شد، بی‌سر و صدا عبور کند و همچنان ضمن‌سازی در پازل آمریکا، به‌تولید ترزل در داخل و ماهیگیری سیاسی ادامه دهد.

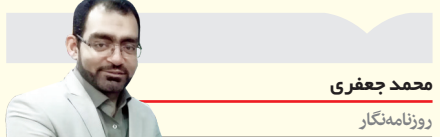
روحانی اما با مواضع اخیرش خواسته یا ناخواسته با همه این طیف‌ها مرزبندی دارد؛ طیف‌هایی که حالا دیگر سیاست خارجی مطلوب‌شان در دولت مورد حمایت‌شان رنگ باخته و با شکست ایده توسعه کشور از مسیر مذاکره و رابطه با غرب، موقعیت‌شان بیش از همیشه به خطر افتاده است.

شود به‌سرعت باید خرید و فروش نفت و بازگشت ارز آن به تهران در دستورکار این سامانه قرار گیرد. بعد دیگر اما افرا برجامی است که احتمالاً اروپایی‌ها و آمریکا این پیام را نیز به‌خوبی فهم کرده‌اند. قاطعیت دیروز روحانی واکنشی بود به تهدیدات حقوقی و نظامی ایران، تهدیداتی که برخی عنوان می‌کنند از مسیر بردن پرونده ایران به شورای امنیت خواهد گذشت و احتمالاً باعث افزایش فشارها به ایران خواهد بود. روحانی دیروز نشان داد امکان استفاده از این ادبیات را دوباره برای خود ایجاد کرده است و بنا دارد تجربه‌ای را که در ماجرای هدف قرار دادن پهباد جاسوسی آمریکایی به سنجش گذاشته و موفقیت آن اثبات شد، مورد استفاده قرار دهد. کارشناسان معتقدند در آینده هم روحانی اگر بتواند با همین ادبیات و بدون خطاهای سیاسی گذشته گام بردارد، می‌تواند آمریکا و اروپا را توانمان به عقب براند و نه تنها گزینه نظامی تضعیف‌شده را برای همیشه منتفی سازد بلکه امتیازهایی را نیز در عرصه‌های هسته‌ای و اقتصادی بگیرد. از این‌رو باید منتظر بود و دید که حسن روحانی تا کجا و چگونه بنا دارد این راه را ادامه دهد و چه امتیازاتی را می‌تواند برای کشور از این مسیر به دست آورد.

دوباره مانند اواخر دهه ۸۰، بازگشت دشوار و بلندمدتی پیش‌رویشان باشد. ناگفته نماند این ادبیات جدید روحانی درصورت تداوم به‌جز عرصه سیاسی در عرصه اقتصادی هم به احتمال فراوان موثر خواهد بود و کمک می‌کند التهابات ناشی از تصمیمات دیرنهنگام و بعضاً متزلزل دولت دوباره تکرار نشود. کارشناسان مدت‌هاست می‌گویند قاطعیت در تصمیمات دولت و انتخاب متقن یک مسیر، ضرورت احیای اقتصاد و ساماندهی آن است.

دولت جدی گرفته می‌شود

حرف‌های رئیس‌جمهور در سیاست خارجی اما حداقل داری دو بعد متفاوت است؛ اول درون‌برجامی که نشان می‌دهد دوران کوتاه آمدن و به‌اصطلاح صبر استراتژیک دولت دوازدهم به اتمام رسیده و اگر اروپا فی‌ال‌فوق اقدامی کند اصل برجام در خطر خواهد افتاد؛ چراکه با این وضعیت به احتمال فراوان گام‌های سوم و چهارم نیز با قوت و حتی در بعد زمانی کمتر برداشته خواهد شد. موضع رسمی رئیس‌جمهور درباره سامانه instex به‌خوبی‌گویایی این بود که اقدام اروپا از زمین تا آسمان با انتظارات تهران فاصله دارد و اگر بناست برجام حفظ



محمد جعفری

روزنامه‌نگار

پیام‌هایی جدی بود. روحانی در حالی از قطعی‌بودن اجرای گام دوم کاهش تعهدات برجامی سخن گفت که همچنان عده‌ای در داخل نسخه‌هایی واپس‌گرایانه می‌پیچند و دولت را به در جازدن در یک‌سال گذشته و راه آئمن‌د کج‌دار و مریز با اروپا و مذاکره بدون پیش‌شرط با آمریکا و... تشویق می‌کنند. در چنین شرایطی اینکه روحانی می‌گوید «غنی‌سازی را از ۳/۶۷ درصد به هر میزان که دل‌مان بخواهد بالا می‌بریم» یا «اینستکس توخالی به دردمان نمی‌خورد» و به‌طور کلی نشان دادن آن روی سکه به غربی‌ها، آغاز دورهای است که باید مرزبندی با برخی طیف‌های سیاسی رادیکال در داخل را از مهم‌ترین شاخه‌های آن دانست. شناسایی خمیر مخاطب دراین‌باره البته چیز چندان پیچیده‌ای نیست و مسروری بر مواضع و خطوط رسانهای حامیان دولت در همین یکی، دو هفته‌ اخیر گفتنی‌ها را به‌اندازه کافی عیان می‌کند.

دراین‌باره محسن میردامادی طی گفت‌وگویی با «شرق» ضمن تأکید بر اینکه خروج از برجام مشکلی برای کشور ندارد و میان‌مدت ایران را حل نمی‌کند، خیلی نرم می‌گوید افزایش غنی‌سازی نمی‌تواند اهرم فشار و دست‌بالائی را در چانه‌زنی‌های بعدی در اختیار ایران قرار دهد؛ چراکه اساساً ایران بنایی بر تولید بمب ندارد و وقتی چنین است، غنی‌سازی اورانیوم را می‌خواهیم چه کار؟ او این اقدام را صرفاً عامل تولید نگرانی در کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای می‌داند و البته اگرچه از اقدام دولت در کاهش تعهدات هسته‌ای در چارچوب برجام حمایت می‌کند، اما تصریح می‌کند با اقدامات اخیر ایران نوعی موازنه ایجاد شده که البته خیلی پایدار نیست. میرا دامادی برای بهبود شرایط دو پیشنهاد هم برای دولت دارد: نخست سکرت دیپلماسی و مذاکرات محرمانه - که پیش‌تر نیز مسوق به‌سابقه بوده - و دوم مذاکرات چندجانبه با حضور آمریکا؛ دو پیشنهادی که با دست‌فرمان کنونی ترامپ، دستگاه سیاست خارجی فعلاً قید آن را به کلی زده و آن را به بازگشت آمریکا و اروپا به تعهدات‌شان موکول کرده است.

این البته رویکردی است که محسن امین‌زاده، معاون وزارت امور خارجه در دولت اصلاحات هم صراحت بیشتری درباره آن سخن می‌گوید. امین‌زاده با تأکید بر آنکه راه خروج ایران از منگنه تحریم‌ها، مذاکره با آمریکا است، تصریح می‌کند صرف دادن این اطمینان به رئیس‌جمهور آمریکا که تهران به‌دنبال بمب هسته‌ای نیست کافی است و از آنجا که این کشور قدرت تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین برای رسیدن به خواسته‌هایش را دارد، بهتر است تا دیر نشده با واشنگتن به گفت‌وگو بنشینیم؛ چراکه اگرچه اولویت آمریکا حمله به ایران نیست، اما هم عربستان و امارات حاضرند هزینه‌های لشکرکشی به ایران را بپردازند و هم توان روی تداوم راه‌برد درهیز از جنگ آمریکا خیلی حساب‌باز کرد. امین‌زاده برای توجیه منطق افعال چرتکه هم می‌اندازد و با مقایسه بودجه نظامی ایران و ایالات متحده می‌گوید آمریکا با حدود ۷۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی، بزگ‌تر ین قدرت نظامی جهان بوده و این مبلغ بیش از ۱۰۰ برابر بودجه نظامی ایران است، لذا اگرچه با وقوع جنگ مردم ایران مثل ویتنامی‌ها درس تلخی به نظامیان آمریکا خواهند داد اما خسارت عظیمی نیز متحمل خواهند شد. او برخلاف طیف دیگری از کاسبان ترس که با مرزبندی میان «دموکرات‌های معتدل و جمهوری‌خواهان افراطی» چشم به پایسان کار دولت ترامپ و حضور کاندیدایی دموکرات در کاخ سفید دارند، رییس‌منتظر مائسن تا انتخابات ۲۰۲۰ و دل‌بستن به نتیجه آن را هم با می‌داند و قائل به آن است که هیچ دلیلی وجود ندارد درصورت پیروزی چهارم‌های دموکرات، آمریکا به برجام بازگردد و مسیر همکاری‌های اقتصادی با ایران را هموار سازد، بنابراین بهتر است ایران با درک دقیق‌تری درباره مذاکره با آمریکا زودتر تصمیمش را بگیرد و پای میز مذاکره بنشیند.

مضاف بر اینها در روزهای گذشته جمعی چهارنفره از اصلاح‌طلبان که از مسئولان سیاسی دولت اصلاحات نیز بودند، دست به قلم شدند و با انتشار متنی در «نیویورک‌تایمز» نسبت به عواقب افزایش فشارها، تهدیدها و نهایتاً آغاز جنگ با ایران هشدار دادند. محسن امین‌زاده، مصطفی تاج‌زاده، محمدرضا خاتمی و عبدالله رمضان‌زاده هگی از کسانی هستند که به‌رغم همه اقدامات خصمانه ایالات متحده، در ماه‌های اخیر به بهانه‌های مختلف پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح ساخته و تلاش کرده‌اند

راه دولت از رادیکال‌ها جدا شد

عزم ایران در ابعاد گسترده‌تری است. اظهارات حسن روحانی اما سوای اینکه نشان می‌داد در ابعاد فنی ایران بنای اقدامات جدی‌تری دارد از نظر سیاسی هم پیام محکمی برای غربی‌ها بود. اگر صراحت را چاشنی کلام کنیم، واکنش دیروز حسن روحانی به اینستکس و عدم قبول اقدامات اروپا که نتیجه آن تضعیف برجام است در مقابل نظرات گذشته روحانی قرار گرفته و هم در بعد سیاست داخلی و هم سیاست خارجی تغییر دهنده شرایط میدانی است.

در سیاست داخلی حسن روحانی به وضوح مسیر خود را از اصلاح‌طلبان رادیکال که این روزها مدافع آغاز گفت‌وگو با ترامپ و ادامه مسیر کنونی با اروپا بدون برداشتن گام‌های ۶۰ روزه هستند، جدا کرد. افرادی چون مصطفی تاج‌زاده و عبدالله رمضان‌زاده، محسن امین‌زاده و دیگرانی که تلاش کردند از هر فرصتی استفاده کنند و نسخه گفت‌وگو با ترامپ و قبول همین اینستکس معلول را در جیب حسن روحانی کنند، با سخنان جدید رئیس‌جمهور بیش از گذشته از دولت و البته حاکمیت فاصله می‌گیرند و ممکن است به‌جایی برسند که